

دوره یازدهم قانون گذاری

جلسه ۷۷

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

بانضمام متن قوانین

یکشنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۱۷

شماره مسلسل - ۸۱۶

چاپخانه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۳۱۷

## فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت محسوس
- ۲ - شور اول لایحه راجع به دلالات
- ۳ - تصویب یک فقره سرخصی
- ۴ - موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس يك ربع ساعت قبل از ظهر بریاست آقای امینداری تشکیل گردید )

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۳ بهمن ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ( گفته شد -  
خیر ) صورت مجلس تصویب شد .

مطرح و برای شور اول بحث مقاله، قرارداد اصلاحاتی  
که بنظر لازم میرسد مواد ذین را تنظیم و اینک برای  
تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد

### [ ۲ - شور اول لایحه راجع به دلالات ]

رئیس - شور اول گزارش کمیسیون دادگستری  
راجع به دلالات مطرح است . چون لایحه طبع و توزیع  
شده است مقدمه گزارش کمیسیون باطلاع آقایان  
می رسد

رئیس - مذاکره در کلیت است ( متذالی نیست )  
رئی گرفته میشود ورود در شور موافق موافقین قیام  
فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

( اینطور خوانده شد )

رئیس - تصویب شد . ماده اول :

ماده اول - تمدنی بهر نوع دلالی منوط داشتن

پروانه است

کمیسیون قوانین دادگستری لایحه شماره ۲۷۴۹۲

رئیس - ماده دوه :

دوات راجع به دلالات را با حضور آقای وزیر دادگستری

( مطابق قانون ۸ ذر ماه ۱۳۰۵ )

پیر عین مذاکرات مشروح ممتاد و هفتمین جلسه از دوره یازدهم قانون گذاری

اداره آند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده

غائبین با اجازه - آقایان : مژدهی - جهانشاهی - دهر سوراخی - آزادی - کازرویان - دادور - موسی - آت - بناهی - زوار -  
غائبین بی اجازه - آقایان : تولیت - اعظم زنگنه - عطاءالله پالیزی - معطل -  
دیوآمدگان بی اجازه - آقایان : نیک پور - وکیلی - موثر - دکتر ادهم - مهدوی - فراگزلو .

- ماده دوم - پروانه دلالتی با رعایت احتیاجات محلی فقط با شخصی داده میشود که دارای شرایط زیر باشد
- ۱ - داشتن بیست و پنجسال تمام و انجام خدمت نظام وظیفه یا داشتن گواهی نامه معافیت یا آماده خدمت
- ۲ - تابعیت ایران
- ۳ - داشتن گواهی نامه سال ششم ابتدائی و یادادن امتحانی برابر آن
- ۴ - داشتن اطلاعات فنی متناسب با اموری که عهده دار دلالتی آنها هستند
- ۵ - عدم شهرت به ندرستی
- ۶ - نداشتن پیشینه محکومیت در تکرار جنایت و ورشکستگی به تقصیر و کلاه برداری و جنایت در امانت و سرقت بگواهی مقامی که وزارت دادگستری تعیین می کند
- ۷ - دادن وجه الضمان یا ضمانت نامه با وثیقه مطابق ماده ۳

تبصره - کسانی که دو سال قبل از اجرای این قانون بشغل دلالتی اشتغال داشته و فاقد شرط سوم این ماده باشند باید در موقع دریافت پروانه متعهد شوند که در ظرف دو سال گواهی نامه امتحانات نهائی آموزش سالاندان را بیاورند و الا پروانه آنها تجدید نخواهد شد کسانی که در تاریخ اجرای این قانون ده سال پیشینه دلالتی داشته و سن آنها از ۴۵ سال کمتر نباشد از شرط سوم این ماده و این تبصره معاف خواهند بود

رئیس - آقای اوحدی

**اوحدی** - گرچه در اطراف این ماده در کمیسیون لازم مذاکرات بعمل آمده و باین طریق تهیه شده است ولی بنده يك مختصر نظری دارم در قسمت ششم این ماده و بقیه بنده این نظر مهم است و لازم است توجه آقای وزیر دادگستری واقع شود. قسمت ۶ از ماده شده است: نداشتن پیشینه محکومیت البته مقصود محکومیت جزائی است در قوانین مرور زمانی قائل است برای مرتکبین که در امر جنحه و کسانی که مرتکب جنحه هستند اگر پنجسال فاصله پیدا کرد دیگر قابل

تعقیب نیست و در جنائی تا ده سال ولی نسبت به محکومین يك مرور زمانی بنظر این بنده نرسیده و البته شایسته نیست و مخالف با عدل و داد است که اگر کسی بیست سال قبل مرتکب يك جنحه شده که منتهی شده است به سه ماه حبس و حبس هم کشیده شده این حکم هم اجرا شده بیست سال قبل و امروز این آدم برای اعاده خودش میخواهد وارد کار شود ممنوع باشد برای این که در بیست سال قبل این شخص محکومیت داشته است برای يك سرقت یا برای يك جنایت یا برای يك جنحه یا برای هر چه در قسمت ورشکسته شدن بنده فقط اظهار نظر نمیکنم برای این که نسبت به ورشکسته قانون برای اعاده حیثیت او راهی باز کرده ولی نسبت به اینها قانون راهی باز نکرده که اگر پنجسال آده سال از این جرائم گذشته این تکلیف چیست حالا خواستم ملتفت بشوم که آیا مرور زمان همانطور که برای عدم تعقیب مرتکب هست آیا پس از اجرای قانون مجازات این مرور زمان مورد توجه خواهد بود یا خیر؟ البته توضیحاتی را که آقای وزیر دادگستری خواهند داد اگر لازم شد که بعد از فرمایشات ایشان بنده پیشنهادی تقدیم کنم تقدیم خواهم کرد

**نقابت (مخبر کمیسیون)** - عرض کنم این جا چون پیشینه محکومیت فرشته شده البته آن جرمی را که آن شخص مرتکب شده مشمول مرور زمان نبوده است و محکوم شده بعد از محکومیت هم اعاده حیثیت فاعده دارد در قانون مجازات عمومی کسانی که محکوم جنائی هستند یا محکوم با مرور جنحه هستند بعد از مدتی حیثیت آنها بشرط آنکه آن جرم را مجدداً مرتکب نشده باشند اعاده میشود و بنابر این آن سابقه منظور نمیشود و همین قاعده در مورد تکرار جرم منظور می شود بنابر این اگر کسی جرمی را مرتکب شده و ده سال گذشته در امور جنائی و پنجسال گذشته در امور جنحه آن سابقه البته محسوب نخواهد شد البته اینجا هم نظر همین است اگر نوشته شده است پیشینه محکومیت یعنی آن محکومیتی که هنوز اعاده حیثیتش نشده و مرور زمان جزائی بر او حاصل نشده است.

رئیس - آقای اوحدی

**اوحدی** - فرمایشات آقای نقابت بنده را متقاعد نکرد

رئیس - آقای دکتر طاهری

**دکتر طاهری** - اولاً تصویب يك قانونی برای گذر دلالتی و تحت نظام در آوردن این موضوع بسیار خوب و مفید است و ثانیاً میخواهم عرض کنم که چون این يك کاری است که تاکنون فقط بسك لغاضی جنائی و خیرگی مختصری سرمایه اینکار بوده و يك عده بادی از این کسب و کار ارتزاق میکنند بنا بر این نباید طوری باشد که اشخاصی که مشغول هستند مجرم شوند از این جهت نظرم این است که جای که يك قدرتی در این قانون اسباب زحمت برای دلالتی موجود می شود آنچه اصلاح شود و يك ارفاق بیشتری در باره آنها بشود من جمله خیال میکنم اگر عطف بسابق نکنیم بهتر است بعلاوه در تبصره میگوید کسانی که در سال قبل از اجرای این قانون بشغل دلالتی اشتغال داشته اند و فاقد شرط سوم این ماده باشند میتوانند که تعهد بکنند که در ظرف دو سال گواهی نامه امتحانات نهائی سالاندان را بیاورند در صورتیکه بنظر من این کار سال لازم نیست اگر ششماه پیش یا یکسال پیش هم مشغول بوده اند ممکن است همین ارفاق را درباره آنها بکنیم که اینکه حتماً دو سال باید مدت داشته باشد و دو سال دلالتی کرده باشد تا بتواند برود جواز و پروانه آموزش سالاندان را بگیرد فلسفه ندارد اینکار که دو سال باشد هم منظور قسمت بعدش کسانی که ده سال پیشینه دلالتی دارند و سنشان از ۴۵ سال کمتر نباشد معاف باشند این هم شرطی است که خیلی هارا محروم میکند و بنظر بنده خیلی زیاد است این مدت این است که بنده خواستم تذکر بدهم اگر صلاح بدانند در شور دوم در کمیسیون يك ارفاق بیشتری در این قسمت بشود

**وزیر دادگستری** - این نکته را که آقای دکتر

طاهری تذکر دادند چون اول کار است و تا حالا برای دلالتی مقرراتی نبوده است حالا که بنا شده مقرراتی بنویسیم طوری بنویسیم که کسانی که سابقاً متصدی این

شغل بوده اند محروم نشوند ما این را حتی المقدور رعایت کرده ایم برای اینکه ما شرایطی که نوشته ایم اینهاست بهیئت ایران انجام خدمت نظام وظیفه معلومات باندازه شش ماه ابتدائی این برای هر فردی که میخواهد در این کشور زندگی کند لازم است که معلومات شش ماه ابتدائی را داشته باشد و گفته ایم اگر طی نکرده بتواند امتحانی بدهد در آنحدود این البته برای اشخاص آینده است - ما راجع به محکومیت های جنائی البته باید اشخاصی که جنایت کرده اند محروم باشند از جنحه ما هم نظیر جنحه های مهم از قبیل کلاه برداری یعنی کسی که محکوم بکلاه برداری است البته دیگر انصاف نیست که در گذر دلالتی دخالت کند راجع بقسمت معلومات اگر وقت گرفته باشند ما خیلی رعایت کرده ایم ما حق سابقین را رعایت و احترام هم کرده ایم اینجا ماخذ گرفته ایم دو سال کسیکه تا دو سال قبل از این قانون مشغول دلالتی نبوده چکار میکرد اگر کسی دیروز آمده است مشغول دلالتی شده تا دیروز چه میکرد حالا هم برود همان کار را بکند ولی ما ماخذ گرفتیم که تا دو سال کسیکه مشغول دلالتی بوده است این را میشود گفت که واقفاً وارد این شغل شده است و الا يك کسی که عبور کرده است از این جا اینرا نمیشود گفت که این ساکن اینجا است این صحیح نیست خیر این يك خوش نشینی است حالا برود کار دیگر بکند کسی که دو سال دلالتی کرده و دارای صدیق ابتدائی نیست همه منظور این است است که چنین اشخاصی بروند بآموزشگاه سالاندان که مخصوصاً برای این قبیل اشخاص تأسیس میشود و از بهترین کارهایی بوده است که در این دوره شده است از طرف دولت که مجاناً و بلاعوض و بدون هیچ قبلی در ساعت هایی که هیچ کار ندارند بروند درس بخوانند و آن معلومات لازم برای هر فرد بشری را یاد بگیرند و مجلس شورای ملی هم متضنی است در هر موردی که موقعی بدستش آمد آموزشگاه سالاندان را تشویق و توجیه کند این است که دو سال مهلت داده شده که در ظرف این دو سال برود و آموزشگاه سالاندان را

طی امده و گواهی نامه بگیرد و در قسمت بعد که نوشته شده در صورتیکه ده سال سابقه دلالتی داشته و سن او هم از ۴۵ سال تجاوز کرده باشد از شرط سوم این ماده و این بصره معاف است از این جهت است که اشخاص جوان البته میتوانند تحصیل کنند و چون بن اشخاص سنان از ۴۵ سال تجاوز کرده و دیگر تحصیل کردن برای آنها مشکل است و شاید نتوانند از عهده امتحان برآیند و شاید موفق نشوند باینکه گواهی نامه بگیرند گفتیم کسانی که ده سال در شان دلالتی هستند و شغلشان همین شغل بوده است و خوش نشین و این جور کسانی نبوده اند که موقه برای اینکه بازار دلالتی رونقی پیدا کرده است رفتنند و وارد این کار شده اند خیر واقفاً شغلشان دلالتی بوده است گفتیم این قبیل کسانی که ده سال شغلشان دلالتی بوده است و سنان هم از ۴۵ سال تجاوز کرده اینها را معاف کرده بشیم بنابراین تصدیق میکنید که ما برای این نوشتیم که کسانی که حالا دارای شغل دلالتی هستند مجزوم باشند و اما راجع توضیحات آقای اوجدی گمان میکنم توضیحات آقای مخبر کاملاً کافی بود برای اینکه وقتی کسیکه محکوم شده است لابد قبل از محکومیت آن ارتکابش مشمول مرور زمان نبوده است که منتهی شده است به محکومیت و تمام محکومیت ها تابع قاعده مشمول مرور زمان هستند و تابع قاعده اعاده حیثیت هستند چه تصریح بکنیم و چه تصریح نکنیم

رئیس - آقای کاشف

کاشف - تصور میکنم گزارش کمیسیون بطوریکه آقایان محترم ملاحظه فرمایند با آن لایحه که آقای وزیر تقدیم کردند يك فرقهائی دارد و مخصوصاً خودشان هم در کمیسیون و آل يك ارفاقهای زیادی شده است نسبت بدلال هائی که فعلاً در عمل و سر کار هستند و بنده مخصوصاً خیلی از این حیث متشکر شدم نسبت باین ارفاقهایی که قائل شده اند و اشکالاتی که در مادی امر در لایحه تقدیمی بود در این گزارش کمیسیون بعینه بنده نیست فقط يك نکته بود که در کمیسیون هم

مورد مذاکره شد و برای اینکه ابهامی باقی نماند بنده خواستم که جناب آقای وزیر دادگستری توضیح بدهند که رفع این ابهام بشود و آن این است که در قسمت چهارم نوشته شده ( داشتن اطلاعات فنی ) البته لفظ فنی بمعنی اعم هیچ اشکالی ندارد و معنی بصیرت و خیریت و اطلاع را دارد و آن معنی خاص کلمه مقصود نیست و البته این جا معنی خاص آن مورد نخواهد داشت منظور هم مسلماً این است که دلالتی که وارد يك امر و عملی میشود صرفاً از روی لفاظی که آقای دکتر طاهری فرمودند وارد نشود بلکه تا آن اندازه که لازمه اینکار است اطلاع و بصیرت داشته باشد خلاصه مراد از لفظ فنی در اینجا نظر بنده خیریت و بصیرت است ( صحیح است )

وزیر دادگستری - البته کلمه فنی همانطور که بنابنده

محترم چهار دانته نباید موجب نگرانی بشود مقصود این است هر کسی که در يك رشته دلال است در آن رشته و قبل خودش بصیرت داشته باشد مثلاً مثل مزینم کسیکه دلال قالی است باید قالی عراقی یا کاشی یا گرمائی یا بتواند تشخیص بدهد و قالی شناس باشد رنگ ثابت و غیر آن و خوبی و بدی قالی و قاشه آنرا بتواند تشخیص بدهد و در کار خودش بصیرت داشته باشد البته بصیرت در هر فنی هم معلوم است که چیست و عرفه تشخیص میدهد ( صحیح است )

رئیس - ماده سوم قرائت میشود:

ماده سوم - کسیکه میخواهد تصدی بدلالتی نماید برای جبران خساراتی که ممکن است از عملیات او متوجه اصحاب معامله شود باید یکی از طرق زیر تأمین بدهد:

- ۱ - پرداخت وجه الضمان
  - ۲ - پرداخت وثیقه غیر مقبول و یا سهام
  - ۳ - ضمانت یکی از تجار معتبر یا بانک
- امیران وجه الضمانه و وثیقه و مبلغ ضمانت و مدت و ترتیب تجدید آن بادر نظر گرفتن نوع دلالتی در آیین نامه ای که بتصویب هیئت وزیران میرسد تعیین خواهد شد

رئیس - آقای عالی و کیلی

عالی و کیلی - اصولاً در کشور ما دلال یعنی يك واسطه معلمی که بتواند تعریف نماید يك متاع و يك مالی را و در دفتر را بهم معرفی کند مثلاً يك ملكی در تصرف يك کسی است و مايل فروشش است و يك کسی هم مايل بخرد است این يك واسطه ساده است که این دورا بهم معرفی و مال را تعریف میکند و لی خریدار و فروشنده وظیفه حفظ حقوقشان باخودشان است و آنها باید حفظ منافع خودشان را بکنند و نگاهند که بدانند این معامله برای آنها زیان دارد یا سود دارد و الا اگر اینطور نباشد مسلم است هر معامله طبعاً يك طرفش زیان دارد اگر امروز فروشنده يك لانی را فروخت و فردا ترقی کرد ممکن است ادعا کند که دلال مرا اتلاف کرده و هائی که در ترقی بوده است از من نگرفته و جقدر ضرر بمن زده یا مالی که اتزل کرده است آن خریداری کنه خسارت دیده است می آید و ادعا میکند که این مال اتزل کرده و رو به اتزل بوده و شما آمده اید مرا اتزل کرد اید بنابراین تصور میکنم جمله ( برای جبران خساراتی ) که در این جا قید شده است باید از ماده حذف شود برای اینکه در تمام دنیا مرسوم است کسی که معامله می کند خودش مکلف است منافع خود را در نظر بگیرد و واسطه موظف نیست منافع او را حفظ کند چه رسد که جبران خسارات او را بکند

وزیر دادگستری - عرض میکنم این عبارتی که در

این ماده نوشته شده است این نگرانی را که آقای فرمودند ایجاد نمیکند حالا اگر راهی هست ممکن است آقای و کیلی پیشنهادی فرمایند تا در مورد نانی عبارت صافتر و واضحتر و روشنتر نوشته شود در هر صورت مقصود این نبوده است که اگر از يك معامله يك طرف زیان برد دلال باید جبران کند بدینهی است همانطور که فرمودند هر معامله ممکن است بسود و زیان يك طرف تمام شود ولی این مقصود نیست اگر چه حدود مسئولیت دلال در قانون تجارت معلوم شده است که اگر مطابق وکالت و دلالتی رفتار کرده باشد بواسطه تضادفات و

اتفاقات باصحاب معامله ضرر و زیانی وارد آید اومسئول نیست ولی وقتی که بواسطه افراط و تفریط چون حدود مسئولیت همیشه افراط و تفریط است اگر در نتیجه تفریط یا تعدی او قانونی که در قانون تجارت پیش بینی شده بادر قانون مدنی تعریف شده موجب ضرر کسی بشود البته منظور آن بوده است و مسکوت گذاشتن آن هم مدنی ندارد باید این وثیقه وجه الضمان و ضمانت نامه معلوم و نوشته شود که برای چه مصرفی است و مصرف آن را باید در قانون معین کرد حالا اگر عبارت موجب توهم میشود بکمال اطمینان قبول میکنم که ایشان هر پیشنهادی فرمایند در مورد دوم دقت میشود که يك عبارت صاف و جامعی باشد که این توهم پیدا نشود

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود:

ماده چهارم - نسبت بوجه الضمان یا ضمانت نامه و وثیقه کسانی که از جهت مداخله دلال بعنوان دلالتی در امور مربوط بآن متناکر شده اند بر سایر متناکران دلالتی رجحان خواهد داشت

رئیس - آقای حیدری

حیدری - اگر بجای امور مربوط امور مربوطه نوشته شود صحیحتر است

مخبر - بخشید متشکرم معلوم شد يك توضیحی فرمودید که چه جور بشود و منظور آقای چیست بنده که نفهمیدم

کاشف - فرمودند امور مربوط امور مربوطه بشود

مخبر - عبارت فرسی است و درست هم هست صحیح است باید صفت و موصوف بهم مطابقه داشته باشند ولی جمله ماده صحیح است

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود:

ماده پنجم - وجه الضمان یا ضمانت نامه یا وثیقه در صورتی رد خواهد شد که دلال از دلالتی ممنوع شده و یا خود او از دلالتی کناره گیری کند و در هر دو صورت حساب او با کسانی که از جهت دلالتی بساو مراجعه کرده اند تسویه شده باشد

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده مشکلی که بطرم رسید يك موضوعی

است که در این نامه بعداً تنظیم میشود قلماً و آن موضوع وجه الضمان یا وجه الضمانه و ضمانت نامه و وثیقه از دلال است البته برای نوع کار خیلی کار مشکلی است شاید تمام مشکلاتی که ما پیش بینی میکردیم با یک طرفه بود گذاشت که قابل حل است ولی این جا یک مشکلی است که اینها را بزرگ می اندازد و حصول تحصیل ضمانت نامه یا تهیه پلت بولی و وثیقه که بچه پایه بچه اندازه است از اینها قسمت هائی است که خواهش در هر مرحله دلال را دچار اشکال میکند بنده تقریباً این بود که وجه الضمان و ضمانت نامه و وثیقه که با ممنوع شدن دلال یا کناره گیری خود او باورده میشود در صورتی که نسبت به معاملاتی که سابقاً دلال کرده است اموعی که دلال ممنوع میشود و وجه الضمان باورده می شود قلماً معامله که در آن زمین اتفاق افتاده و بعداً معلوم شده یعنی پس از مسوعیت و یا کناره گیری در این جا معلوم نشده و در بدین که پلت پیش بینی نسبت به این قسمت شده باشد اصولاً بنده در نظر داشتم موضوع وجه الضمان و ضمانت نامه را هر قدر ممکن است چون نظر جناب آقای وزیر دادگستری تسهیل در این امر است هر قدر تسهیل بفرمایند همیشه که نسبت به سایر قسمتها هم شده است بهتر است و این قسمتی را که بنده عرض کرده نیز مورد توجه است که معامله بفرمایند که بعداً اگر یات همچو قسادی بروز کرد پس از دادن وثیقه به دلال چه معامله با این اشخاص خواهد شد

**مخبر -** راجع به قسمت اول فرمایشات آقای اعتبار اتفاقاً در کمیسیون مذاکرات زیادتی شد و حتی آنرا بانک ملی و سایر بنگاه هائی که میتوانستند در این قسمت ذی نظر باشند جلب شده و همه چون نظر مساعد و غیر مساعد داده شد و خلاصه از مجموع آن نظریات این مواد استخراج شده که چگونه باید برای آنها تسهیل بشود در قسمت وجه الضمان اگر نظر آقایان باشد در لایحه اولی دولت یک مقداری معین شده بود ولی اینجا حالا تعیین نشده و به آئین نامه موکول شد برای اینکه دلال کارهای مختلف میتواند بکند - یک دلال خواربار

شهری فرض بفرمایند میخواهد در میدان چند بار سبزی معامله بکند احتیاج به وجه الضمانه خیلی زیادی یا ضمانت نامه - سنگینی ندارد اما یک کسی که میخواهد معاملات بزرگ در کارهای بزرگتری بکند از قبیل تجارتهای بزرگ و جاری بدهد وجه الضمانه بیشتری بپردازد باین جهت ضمانت کار و میزان وجه الضمان موکول شد و اینکه در آن مقاماتی که صالح برای تنظیم آئین نامه هستند در اینجا مذاکره بکنند . راجع باینکه وجه الضمان را پس بدهند ماده ششم را اگر ملاحظه بفرمایند رفع اشکال میشود زیرا هم زت این است که « هر دلالی بخواهد از کار دلالی کناره گیری کند باید قبلاً بمقامی که بموجب ماده ۱۱ این قانون معین میشود کتباً اطلاع بدهد تا بوسیله مجله رسمی و یکی از روزنامهها قصد او آگهی شود » و چون در ماده ششم نظر آن تعیین شده است بنابراین جوابی عرض نمیکند

**رئیس -** دوسه پیشنهاد است راجع به ماده سه قرائت میشود: **پیشنهاد آقای وکیل**  
بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۳ جمله برای جبران خسارتی که ممکن است از عملیات او متوجه اصحاب معامله شود حذف شود

**پیشنهاد آقای کاشف**  
این جناب پیشنهاد میکند که در ماده سوم بعد از عبارت « عملیات » لفظ « مفرضانه » اضافه شود .

**رئیس -** ماده شش قرائت میشود  
ماده ششم - هر دلالی که بخواهد از کار دلالی کناره گیری کند باید قبلاً بمقامی که بموجب ماده ۱۱ این قانون معین میشود کتباً اطلاع بدهد تا بوسیله مجله رسمی و یکی از روزنامهها قصد او آگهی شده و ضمناً متذکر شود که در ظرف مدت دو ماه هر کس نسبت باواز جهت امور مربوط بدلالی ادعائی دارد مقامی را که بموجب ماده ۱۱ این قانون معین میشود مستحضر نماید تا حق او طبق ماده قبل محفوظ بماند در هر حال استرداد وجه الضمان بنابر تصویب رئیس دادگاه بدایت محل اقامت دلال خواهد بود .

**رئیس - آقای حیدری**  
حیدری - در ماده شش میگوید « هر دلالی که بخواهد از کار دلالی کناره گیری کند باید قبلاً بمقامی که بموجب ماده ۱۱ این قانون معین میشود کتباً اطلاع بدهد » خیلی خوب باید اطلاع بدهد ، و تا بوسیله مجله رسمی و یکی از روزنامهها قصد او آگهی شود ، دوباره متذکر میشود « که در ظرف مدت دو ماه هر کس نسبت باواز جهت امور مربوط بدلالی ادعائی دارد مقامی را که بموجب ماده ۱۱ این قانون معین میشود مستحضر نماید » یک دلالی فرض بفرمایند میخواهد از دلالی کناره گیری کند هر دو کار را انجام داد یعنی هم اطلاع داد که میخواهد کناره گیری کند و هم متذکر شد که در ظرف دو ماه هر کس باو ادعائی دارد اطلاع بدهد باوجود این در آخر میبویسد « در هر حال استرداد وجه الضمان بنابر تصویب رئیس دادگاه بدایت محل اقامت دلال خواهد بود » عقیده بنده این است که دیگر این جمله لازم نبود . چون آن دو قسمت را عمل کرده است و دیگر این یکی زاید است .

**رئیس - آقای اوحدی**  
اوحدی - عرض مختصر بنده این است که جمله اخیر ماده ۶ بعقیده این بنده زیادی است و لازم است حذف شود زیرا بطوری که از خود همین ماده ۶ و سایر مواد استنباط میشود تصور میکنم سه مقام معین بشود برای دادن پروانه و گرفتن نقاضا و گرفتن وجه الضمان . کسی که میخواهد دلالی تجارت بکند باید نقاضا نامه اش برود در اطاعت تجارت ضمانت نامه را هم مطابق تعرفه ای که معین شده است باید بانجا بدهد و از آنجا پروانه صادر کند و اگر بخواهد داخل معاملات ملکی بشود باید به ثبت اسناد برود و نقاضا نامه بدهد و آنجا وجه الضمان بسپارد و از آنجا جواز دلالی را بگیرد و همچنین اگر بخواهد در معامله خواربار وارد شود باید بشهر داری برود ضمانت نامه بدهد و وثیقه بسپارد و پروانه از آنجا صادر کند بااین وقت که بنیاد برای هر نوع دلالی یک مقام صلاحیت داری طبق ماده یازده که در همین ماده اشاره کرده است معین شده است دیگر دخالت دادگاه بدایت لزومی ندارد این است که پیشنهادی

در این باب تقدیم میکنم .  
**مخبر -** پیشنهاد آقای اوحدی که با اظهارات آقای حیدری مطابقت دارد البته در کمیسیون مطرح میشود خود ایشان هم تشریف دارند تصمیمی اتخاذ خواهند شد .  
**پیشنهاد آقای اوحدی**  
این بنده پیشنهاد میکنم جمله اخیر ماده ۶ که نوشته شده « در هر حال استرداد وجه الضمان بنابر تصویب رئیس دادگاه بدایت محل اقامت دلال خواهد بود » حذف شود .  
**رئیس -** ماده هفتم قرائت میشود .

**ماده هفتم -** حق صدور پروانه برای دلال معاملات ملکی در بیست ربال و برای معاملات تجاری بکشد و پنجاه ربال و برای معاملات خواربار و سایر امور شهری بکشد ربال در سال خواهد بود . تصدی باینکه از سه تنوع دلالی نامبرده مستند صدور پروانه جداگانه است و برای هر پروانه حق علیحده دریافت خواهد شد .

**رئیس -** پیشنهادات قرائت میشود .  
**پیشنهاد آقای کاشف**  
این جناب پیشنهاد میکند که در ماده ۷ حق صدور پروانه نسبت به معاملات تجاری بکشد ربال و نسبت به معاملات خوار بار پنجاه ربال مقرر گردد .  
**پیشنهاد آقای حیدری**  
مقام ریاست مجلس شورای ملی - بنده پیشنهاد میکنم جمله « بنابر تصویب حذف شود »  
**رئیس -** ماده هشتم قرائت میشود

**ماده هشتم -** هر دلالی که معلوم شود عمل او معمولاً بر خلاف مقررات مربوطه بدلالی است مورد تعقیب مقامی که بموجب ماده ۱۱ این قانون معین میشود واقع و از شغل دلالی برای مدتی که از سه ماه کمتر و از یکسال بیشتر نباشد ممنوع و پروانه او ابطال میشود و این مانع نیست که دلال طبق قوانین جزائی یا حقوقی در دادگاه صالح مورد تعقیب قرار گرفته و به مجازات قانونی با تادیه خسارات وارده محکوم گردد .  
**رئیس - آقای مهدوی**

مهدوی - دلالی شغلی است که تاجر جاهای گاهی طبیعت برای هر کسی پیش می آورد مثلاً يك کسی است که يك خانه دارد و میخواهد بفروشد يك کسی دیگر هم میخواهد بخرد يك دوستی دارند که این دو نفر را بهم هدایت میکند و این معامله انجام میگیرد بعد آنها میخواهند چیزی باین دوستانشان بدهند . مطابق این ماده میخواستم ببینم آیا این شخص باید حبس بشود یا اینکه يك خسارتی بدهد بنده منظورم این است که ماده طوری تنظیم شود که این قبیل اشخاص گرفتار نشوند .

وزیر دادگستری - اولاً در این ماده نوشته شده (شغل دلالی) بنا بر این شامی این مورد که نمایندگی محترم فرمودند نمیشود بعلاوه ممکن است کسی که بخواند يك دفعه این کار را بکند بعنوان دیگر مثلاً باو کالت نامه این کار را بکند و بهر صورت شغل او دلالی نیست حالا ممکن است پیشنهاد بدهند که عبارت را در شور دوم اصلاح کنیم .

رئیس - ماده دهم قرائت میشود .

ماده ۱۰ - هر کس که در تاریخ اجراء این قانون بشغل دلالی اشتغال دارد مکلف است در ظرف سه ماه طبق مقررات این قانون تقاضاً نامه به مقامی که بموجب ماده ۱۱ این قانون مهین میشود داده پروانه بخواند و چنانچه تقاضا نامه نداده مدت منقضی شد و یا تقاضا نامه او رد شود و بشغل دلالی ادامه دهد طبق ماده ۸ تعقیب و مجازات شده و دیگر باو پروانه دلالی داده نخواهد شد .

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود

ماده ۱۱ - هیئت وزیران بر حسب نوع دلالی مقامی را که برای صدور پروانه و سایر وظایف مذکور در این قانون صلاحیت دارد معین خواهند کرد .

رئیس - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - طرف تنظیم تقاضا نامه و پروانه دلالی و دفتری که دلال برای ثبت عملیات خود باید نگاهداری نماید و قرار داد حق الزحمه دلال که باید بین او و کسی که باو مأموریت داده قبل از انجام مأموریت تنظیم و مبادله شود و میزان حق الزحمه دلال که نباید زائد بر میزان معین در تعرفه رسمی باشد و سایر مقررات لازم برای اجرای این قانون مطابق آئین نامه هائی که از طرف مقام مذکور در ماده ۱۱ تنظیم میشود خواهد بود .

رئیس - ماده سیزدهم

ماده ۱۳ - مواد ۳۵۵ و ۳۵۶ قانون تجارت پس از انتشار آئین نامه های مربوط بحق الزحمه و دفاتر نسخ خواهد شد رئیس - رأی میگیریم ب ورود در شور دوم این قانون آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۳ - تصویب يك فقره مرخصی]

رئیس - از که کمیسیون عرایض و مرخصی گزارشی رسیده قرائت میشود .

خبر مرخصی آقای شیرازی

آقای شیرازی درخواست نیست روز مرخصی از تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۱۷ نموده اند و کمیسیون عرایض و مرخصی با درخواست ایشان موافقت نمود و اینک گزارش آن تقدیم میشود رئیس - موافقین با مرخصی آقای شیرازی قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۴ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر تصویب می فرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده روز یکشنبه هفتم اسفند سه ساعت پیش از ظهر دستور لوابیح موجوده

(مجلس سی و پنجم دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری